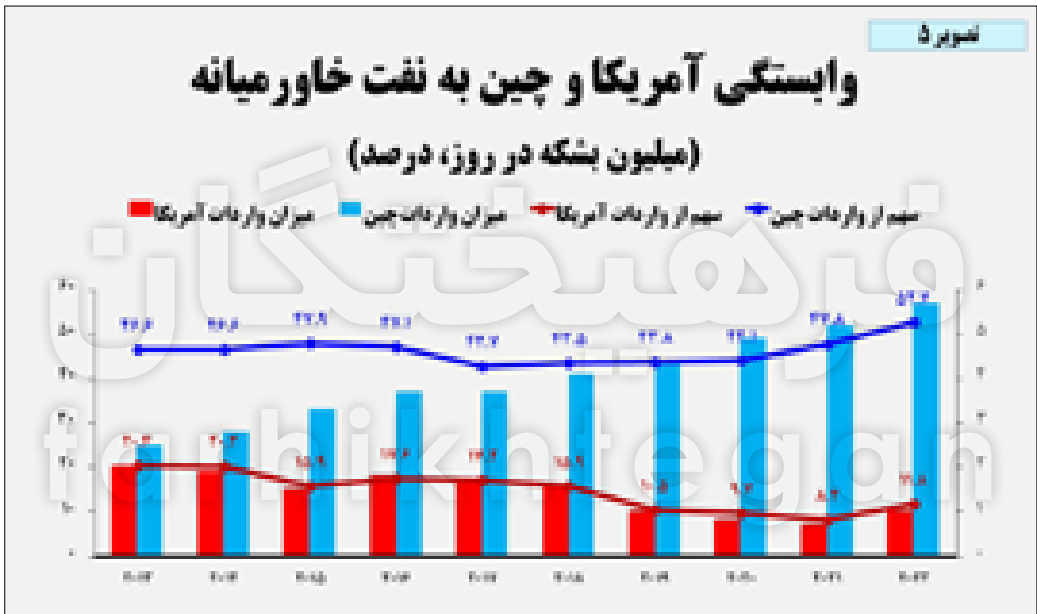
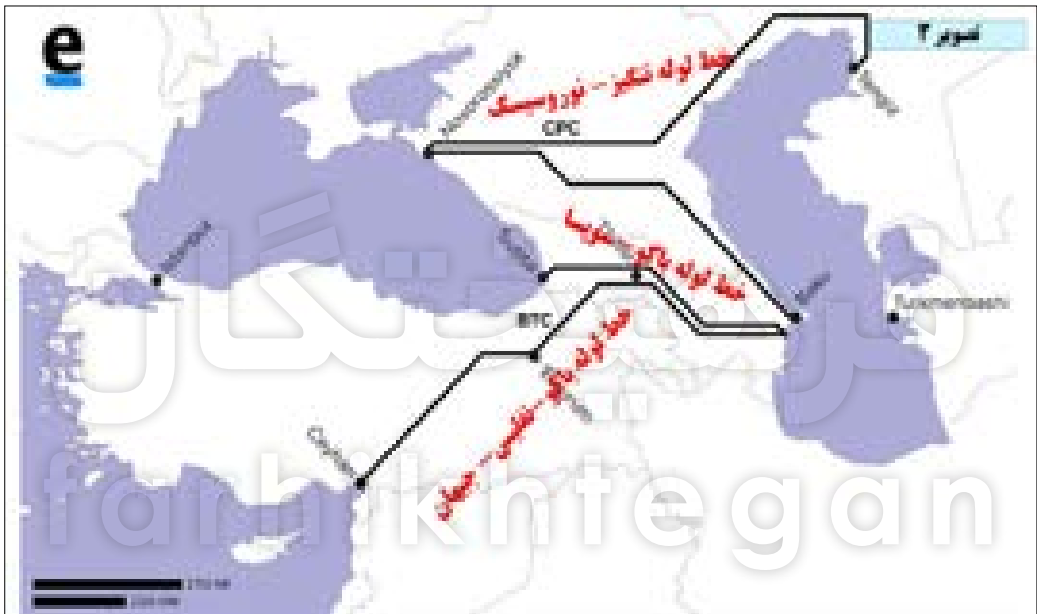
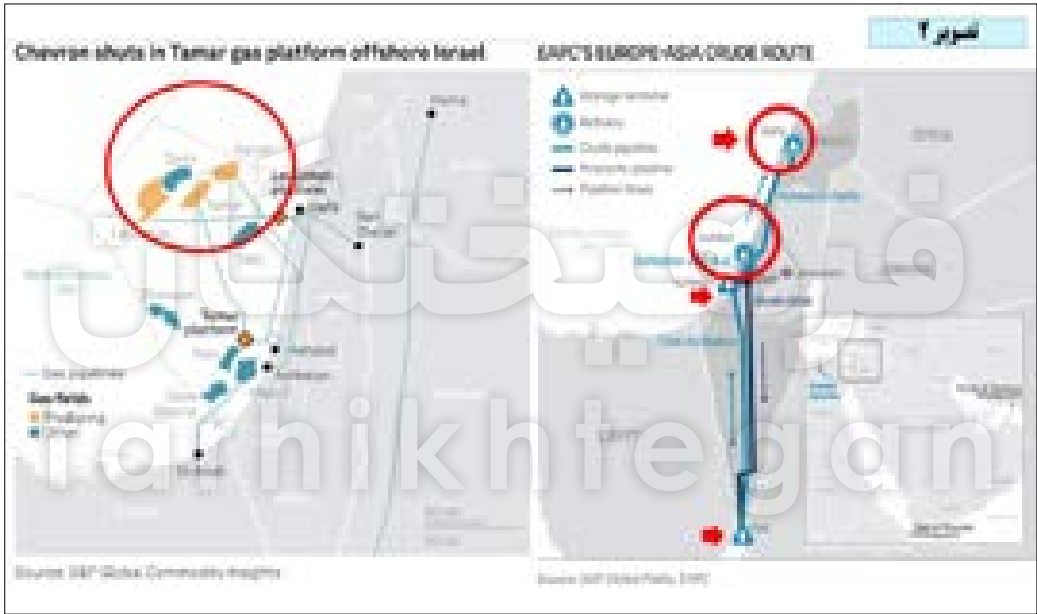


«فرهیختگان» به بررسی سناریوهای احتمالی حمله به تأسیسات انرژی ایران و اسرائیل می‌پردازد

۴ برگ برنده ایران در تأسیسات نفتی



۴۰ درصد از نفت اسرائیل وابسته به خط لوله باکو-تفلیس-جهان

تصویر ۳، سه خط لوله انتقال نفت اسرائیل را نشان می‌دهد که در مجموع ۶۰ درصد از نفت وارداتی رژیم صهیونیستی را تامین می‌کند. این سه خط لوله شامل باکو-تفلیس-جهان، باکو-سوپسا و تگیز-نوروسپسک هستند.

مهم‌ترین خط لوله انتقال نفت به اسرائیل، خط لوله باکو-تفلیس-جهان است که از آذربایجان، نفت این کشور را همراه با نفت قزاقستان از مسیر گرجستان و ترکیه به بندر جهان رسانده و سپس از مسیر دریا به اسرائیل منتقل می‌کند. بهره‌برداری از این خط لوله توسط شرکت بریتیش پترولیوم انجام می‌شود و ظرفیت انتقال آن روزانه ۱٫۲ میلیون بشکه نفت است. این خط لوله حدود ۴۰ درصد از نفت موردنیاز اسرائیل معادل ۱۰۰ هزار بشکه در روز را تامین می‌کند و ۲۰ درصد مابقی نیز توسط دو خط لوله دیگر به رژیم صهیونیستی منتقل می‌شود.

۲۵ درصد از تجارت نفت دنیا تحت سیطره نظامی ایران

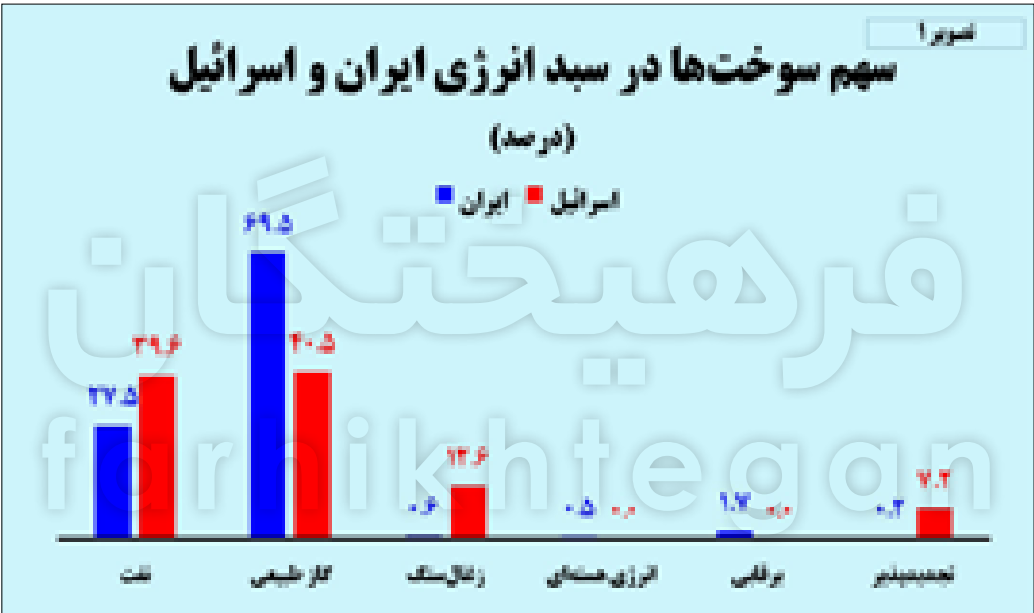
در صورت کشاندن شدن دامنه جنگ به تأسیسات نفت و گاز، علاوه بر دست بالاتر ایران در مواجهه با اسرائیل، ایران برگ برنده‌های دیگری نیز برای ضربه به اصلی‌ترین متحد اسرائیل، یعنی آمریکا دارد. یکی از این برگ برنده‌های ایران، تسلط نیروهای مسلح کشور بر تنگه هرمز است. طبق گزارش اداره اطلاعات انرژی آمریکا در تصویر ۴، روزانه نزدیک به ۲۱ میلیون بشکه نفت خام از تنگه هرمز عبور می‌کند که معادل ۲۵ درصد از نفت تولیدی دنیاست. بسته تنگه هرمز توسط ایران یا بازرسی کشتی‌ها در این تنگه می‌تواند قیمت جهانی نفت را با یک جهش بی‌سابقه مواجه کند. به اعتقاد کارشناسان، با توجه به وقوع انقلاب نفت‌شیل در آمریکا، رشد تولید نفت این کشور از ۵ به ۱۳ میلیون بشکه در روز و تبدیل آمریکا به صادرکننده خالص محصولات نفتی از سال ۲۰۲۲، بستن تنگه هرمز توسط ایران نمی‌تواند تهدیدی برای تامین انرژی آمریکا ایجاد کند اما می‌تواند از مسیر افزایش قیمت جهانی نفت، منجر به فروپاشی بازارهای مالی در ایالات متحده شود. بعضاً گفته می‌شود اقدام ایران در بستن تنگه هرمز به چین ضربه بیشتری نسبت به آمریکا خواهد زد. آمار و ارقام نشان می‌دهد این دو قدرت بزرگ اقتصادی دنیا از جهت «تامین انرژی» به تنگه هرمز وابسته نیستند و آسیب‌پذیری آمریکا نیز از جهت فشار افزایش قیمت نفت بر بازارهای مالی او خواهد بود. در تصویر ۵، سهم نفت خلیج فارس در تامین نفت آمریکا و چین آورده شده است. طبق این تصویر، در سال ۲۰۲۲، آمریکا ۱۱٫۸ درصد از نفت خود و چین ۵۲٫۷ درصد از نفت خود را از کشورهای حاشیه خلیج فارس تامین کرده است. به بیان دیگر آمریکا روزانه یک میلیون بشکه و چین روزانه ۵٫۵ میلیون بشکه نفت خود را از مسیر تنگه هرمز تامین می‌کنند. اگر سهم نفت خلیج فارس در کل سبد تامین انرژی آمریکا و چین را محاسبه کنیم، می‌بینیم نفت خلیج فارس فقط ۲ درصد از سبد انرژی آمریکا و فقط ۷ درصد از سبد انرژی چین را تشکیل می‌دهد که ارقام خاصی محسوب نمی‌شوند که بتوانند تامین انرژی این دو کشور را دچار اختلال کنند.

تهدید امنیت انرژی دنیا

بستن تنگه هرمز، تنها ابزار ایران برای توسعه دامنه جنگ در حوزه نفت و گاز نیست. مجید شاکری، کارشناس اقتصاد بین‌الملل در توئیتر نوشت: «ساختار بدهی آمریکا بسیار سریع به افزایش نرخ نفت حساس است. افزایش معنادار نرخ نفت صرفاً با از دور خارج شدن تولیدات/لجستیک نفت یکی از سه تولیدکننده اصلی ممکن است.»

طبق آمار مؤسسه EI، در حال حاضر آمریکا با تولید روزانه ۱۲٫۹ میلیون بشکه، روسیه با تولید روزانه ۱۰٫۵ میلیون بشکه و عربستان با تولید روزانه ۹٫۶ میلیون بشکه، سه تولیدکننده بزرگ نفت دنیا هستند. در تصویر ۶، سهم آمریکا، روسیه و عربستان از تولید جهانی نفت آورده شده است که طبق آن، ۱۲ درصد از نفت تولیدی دنیا، در تأسیسات آرامکو عربستان تولید می‌شود.

تصویر ۶، سهم سه غول تولیدکننده LNG دنیا شامل آمریکا، قطر و استرالیا را نشان می‌دهد. طبق این تصویر، قطر ۲۰ درصد از بازار LNG دنیا سهم دارد. روز گذشته خبری مبنی بر حمله ریزبرنده‌های دشمن به فاز ۱۴ پالایشگاه کنگان و مخزن گاز مایع پالایشگاه گاز جم در رسانه‌ها منتشر شد که نشان از کشیده شدن محدود دامنه جنگ نظامی به تأسیسات نفتی و گازی ایران است. طبق این خبر، پهباد مهاجم موردهدف قرار داده شده است، اما لاشه آن که حاوی مواد منفجره بوده به تأسیسات اصابت کرده و منجر به آتش‌سوزی شده است. اگر ایران در برابر حملات این چینی سکوت کرده و از آن عبور کند؛ طبیعتاً تهدیدهای رژیم صهیونیستی و آمریکا علیه تأسیسات انرژی ایران افزایش خواهد یافت.



سید احسان حسینی خبرنگار گروه اقتصاد

قبل و بعد از اجرای عملیات وعده صادق ۳، مقامات اسرائیلی و آمریکایی تهدید کردند به تأسیسات نفت و گاز ایران حمله خواهند کرد. لندسی گراهام، سناتور آمریکایی در صفحه توئیتر خود نوشته است: «بعد از حمله اسرائیل به ایران، برخی مردم از خود می‌پرسند آیا ایران به منافع آمریکا در سراسر دنیا حمله می‌کند؟ اگر این کار را کند، آمریکا باید تمام پالایشگاه‌ها و زیرساخت نفتی ایران را نابود کند.» بعد از اجرای عملیات وعده صادق ۲ نیز مکرراً بحث حمله به تأسیسات انرژی ایران مطرح بود و اتفاقی نیفتاد. اما سطح تنش در دور جدید درگیری‌ها بین ایران و رژیم صهیونی بی‌سابقه بوده و احتمال افزایش دامنه جنگ به تأسیسات نفت و گاز وجود دارد. طبیعتاً تصمیم‌گیری ایران و اسرائیل برای کشاندن جنگ به تأسیسات انرژی بر مبنای هزینه و فایده طرفین از نقاط ضعف یکدیگر صورت خواهد گرفت. همچنین ممکن است دامنه حمله به تأسیسات نفتی از مرزهای دو طرف خارج شده و به متحدان آنها نیز سرایت کند. حال سوال اساسی اینجاست که ایران در مواجهه با اسرائیل و آمریکا چه برگ برنده‌هایی در حوزه انرژی دارد؟

چرا وابستگی ایران به نفت و گاز ایمن‌تر از اسرائیل است؟

ابتدا وضعیت امنیت انرژی ایران و اسرائیل را بررسی می‌کنیم. در تصویر ۱، سهم منابع مختلف در سبد تامین انرژی آنها آورده شده است. طبق آمار مؤسسه EI، نفت و گاز ۹۷ درصد از سبد انرژی ایران و ۸۰ درصد از سبد انرژی اسرائیل را تشکیل می‌دهد. در نتیجه وابستگی هر دو طرف به منابع نفت و گاز، پاشنه آشیل مشترک آنها در حوزه امنیت انرژی محسوب می‌شود.

اما در این حوزه ایران یک برتری از جنبه تعدد تأسیسات و میادین نفت و گاز دارد. هر چند وابستگی ایران به نفت و گاز بیشتر از اسرائیل است اما این میادین تولیدی فقط در یک نقطه و یک هدف متمرکز نشده‌اند. به عنوان مثال ایران هم‌اکنون از بیش از ۱۰۰ میدان نفتی و گازی، تولیدات هیدروکربوری دارد در حالی که تولید گاز اسرائیل فقط از دو میدان تامار و لویاتان صورت می‌گیرد. یاد در مثالی دیگر، در ایران ۱۰ پالایشگاه نفتی به ظرفیت ۲٫۴ میلیون بشکه در روز و ده‌ها پالایشگاه کوچک مشغول فراورش نفت خام و میعانات گازی هستند در حالی که در اسرائیل فقط دو پالایشگاه به ظرفیت ۰٫۲۵ میلیون بشکه در روز وجود دارد.

پس به عنوان جمع‌بندی، وضعیت امنیت انرژی ایران در حوزه تنوع سبد سوخت تقریباً مشابه رژیم صهیونیستی است اما از جنبه تعدد تأسیسات، شرایط مطلوب‌تری در صورت درگیری نظامی احتمالی را داراست.

انهدام ۸۰ درصد از سبد انرژی اسرائیل در ۷ نقطه حیاتی

کمی تأسیسات نفت و گاز اسرائیل را جزئی‌تر بررسی کنیم. طبق آمار مؤسسه S&P Global، رژیم صهیونیستی روزانه ۲۵۰ هزار بشکه نفت وارد می‌کند که ۶۰ درصد از این نفت توسط دو کشور قزاقستان و آذربایجان تامین می‌شود. نیجریه، گابن، برزیل و مصر نیز دیگر تامین‌کنندگان نفت این رژیم هستند.

طبق تصویر ۲، نفت وارداتی اسرائیل که ۳۹٫۶ درصد از سبد انرژی این رژیم را تشکیل می‌دهد، در سه پایانه نفتی در بنادر حیفا، اشکلون و ایلات تخلیه شده و سپس در دو پالایشگاه حیفا و اشدود فراورش می‌شود. در واقع حذف حدود ۴۰ درصد از سبد نفتی اسرائیل با انهدام فقط ۳ پایانه نفتی و ۲ پالایشگاه نفت صورت می‌گیرد که مجموعاً ۵ هدف نظامی برای ایران خواهد بود.

اما در حوزه گاز، وضعیت امنیت انرژی رژیم صهیونیستی بدتر از نفت است. تصویر ۲، تأسیسات گازی اسرائیل در سه میدان کاریش، تمار و لویاتان را نمایش می‌دهد. طبق آمار مؤسسه EI، این رژیم سالانه ۲۳٫۵ میلیارد متر مکعب گاز تولید می‌کند و ۱۲٫۶ میلیارد متر مکعب را به مصرف رسانده و مابقی را به مصر و اردن صادر می‌کند. آمار وزارت انرژی رژیم صهیونیستی نشان می‌دهد که در سال ۲۰۲۲، تولید گاز اسرائیل از سه میدان «لویاتان» به میزان ۱۱٫۴ میلیارد متر مکعب، میدان «تامار» به میزان ۱۰٫۲ میلیارد متر مکعب و میدان «کاریش» به میزان ۰٫۳ میلیارد متر مکعب بوده است.

به بیان ساده، گاز طبیعی اسرائیل به عنوان تامین‌کننده ۴۰٫۵ درصد از سبد انرژی این رژیم، فقط از دو میدان اصلی لویاتان و تمار تامین می‌شود که دو هدف نظامی قابل دسترس برای موشک‌های ایرانی در دریای مدیترانه است. در مجموع نقاط گلوگاهی تامین نفت اسرائیل شامل ۵ نقطه و نقاط گلوگاهی تامین گاز اسرائیل شامل ۲ نقطه است. یعنی ۸۰ درصد از سبد تامین انرژی اسرائیل شامل نفت و گاز فقط به ۷ نقطه وابسته است که می‌تواند با موشک‌باران منهدم شود.

مدیر مسئول:

محمدامین ایمانجانی

قائم‌مقام مدیرمسئول:

مسعود فروغی

سر دبیر:

محمد زعیم‌زاده

تلفن و فکس:

۰۲۱) ۶۲۹۹۹۴۹۵

کدپستی:

۱۱۳۵۶۳۳۸۱۶

چاپ:

چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی

نشانی:

خیابان حافظ، پایین‌تر از جمهوری

رومیری ساختمان بورس

ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم